

اعاده حیثیت

یکی از موضوعات حقوق جزا اعاده حیثیت یعنی برگشت شخصی بوضع اولیه است که قبل از ارتکاب گناه از لحاظ معنوی دارا بوده است.

در اینصورت برای اینکه امر مزبور تحقق یابد قانونگذار نسبت به جرمی یکنوع خصوصیات و شرایطی قائل نشده بلکه بلحاظ تنوع گناه قیود مختلفی بر آن مرتب ساخته است.

مثلاً مقرر داشته است کسی که بمجازات تأدیبی محکوم شده باشد پس از اتمام مجازات هر گاه ظرف پنج سال مجدداً محکومیت جزائی نداشته باشد باعاده حیثیت نائل گردیده و محکومیت سابق او هم از سجل قضائیش محو و کان لم یکن فرض میشود. همین ارفاق را هم در مورد مرتکب جرم جنائی قائل شده با این فرض که چون در اینجا گناه عظیم تر است و زیان فردی و اجتماعی بیشتری را متضمن است برخلاف مورد فوق مدت پنج سال را بده سال افزایش داده است:

حال باید دانست اصولاً قانونگذار چرا اقدام بتقریر چنین قاعده ای نموده ؟ مگر میشود و کسی را که مرتکب جرم جنایت شود پس از مدتی بی تقصیر

انگاشت ؟

این جرم کوچک نیست و باین سادگی نباید تلقی شود. ارتکاب این جرم ممکن است در نتیجه سالها فکر و اندیشه قبلی صورت گرفته باشد که در واقع از این حیث میتوان فرض قساوت قلب شدیدی برای فاعل نمود. و اگر اینچنین روزنه امیدی برای او باز گذاشته شود چون میداند که پس از چند سال بیگناه شناخته خواهد شد و دیگر قانون بعمل ارتکابی گذاشته او نظری نخواهد افکند و در ردیف افراد صالحی که هرگز مرتکب چنین عملی نگشته اند قرار خواهد گرفت بسیار قریب بنظر میرسد که جرم مورد نظر را کاملاً ساده و بی اهمیت تلقی کرده و بسرعت انجام آن کوشش فراوانی نماید.

ولی این استدلال پایه و اساس درستی نداشته و بلکه بتوان ذیلاً مخدوش بودن

آنها باثبات رسانید :

اولاً . - اینکه مجرم پس از تحمل مجازات عمل ارتکابی خود و امیدواری باینکه پس از گذشت مدتی طولانی فعل ناپسند او از خاطره ها محو گردیده و بنا بر این جرم در نظر او ساده و بی اهمیت تلقی خواهد شد صحیح نیست زیرا همان تحمل مجازات و محرومیت هائی که او باید در مدت مدیدی از جهات مختلف بر خویش هموار کند عدم اهمیت را متزلزل خواهد ساخت.

اعاده حیثیت

ثانیاً . - محیط زندان که در واقع سالب حریت شخص است مجرم را دائماً در حال اضطراب نگهداشته و باو اجازه فراغ خاطر و اندیشه های روح پرور را نمیدهد با فرض اینکه مدت مجازات غالباً طولانی است و چون تکرار این محرومیت مفروض است ایجاد یأس و دل مردگی در او کرده و پس از مدتی چنانچه حساسیت معتدلی را دارا بوده باشد بصورت مرده متحرکی درخواهد آمد و با فرض ناامیدی پس از خروج از زندان از لحاظ پایداری سوء نظر مردم نسبت بوی اینحالت مورد تردید نیست .

ثالثاً . - وجود این ناامیدی حس انتقام را در او برانگیخته و بدینی شدیدی را وی بوجود خواهد آورد و بالاخره برای ادامه اعمال ناهنجار خود برای خروج از زندان روزشماری خواهد کرد .

اما چنانچه فرض قانون مستحسن شمرده شود ظن غالب میرود که مجرم در اثر ندامت تصمیم بترك ادامه عمل مذبوم خود گرفته و دیگر اینگونه کارها را پیرامون نگردد چه این امر غالباً در مورد جریان اتفاقی یعنی کسانی که مبتدی بوده و برای اولین بار دست بچنان اقدامی زده اند بسیار عادلانه و مقرون بانصاف است .

نکته ای که مورد نظر اصلی نگارنده از تحریر این سطور بوده است اینکه عین این مطالب و استدالات در مورد جریان اجتماعی صادق است با قید اینکه در این مورد فرض زندان موجود نیست .

در اینجا شاید اتخاذ عنوان مجریان اجتماعی مجازی و بنحو استفاده باشد ولی منظور از بکار بردن این اصطلاح افراد ولگردی هستند که زیان آنان بطور مستقیم متوجه اجتماعی که خود عضو آن هستند نگردیده بلکه وجود اینگونه اشخاص باعث تحریض و سوق دادن افراد ساده لوحی که فکر را فاقدند بسوی انحطاط و پستی میتوان دانست . البته مصداق اصطلاح مزبور منحصر باینگونه افراد نبوده و چه بسا افرادی که کاملاً وضع مادی رضایت بخشی داشته از لحاظ طرز رفتار در ردیف آنان قرار میگیرند از این قبیل اند کسانی که غرائز پست بشری را بطور مداوم دنبال کرده و نیروی جسمی و روحی خود را صرف کارهای زشت و ناپسندی که موجب جریحه دار ساختن احساسات پاک بشری است مینمایند .

حال اگر چنانچه بعضی از این افراد بواسطه تحول فکر و یا تغییر محیط خانواده و یا اجتماع و بالاخره عوامل دیگر ناصواب خویش را تغییر داده وارد محیط افرادی صالحی و نیکوکار گردند آیا سزاوار است از این پس وحتى بعد از مدتی که ابراز لیاقت و شایستگی نموده باز هم مورد تنفر و انزجار مردم قرار گرفته و با دیده حقارت بانان نگریسته شود . ؟

اگر چنین فرض مقبول افتد بنتایج غلط و زیان بخش آن برمیخوریم زیرا در این صورت هرگز نباید سعی در تربیت تبه کاران نموده و بلکه بایستی آنان را با متد حیوانات وحشی بحال خویش واگذاریم !

بدیهی است با اندکی تعمق قبول این نظریه از جانب اشخاص مصلح و پاک نظر بسیار مستبعد خواهد بود .